

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سید هاشم سدید  
۰۲ نومبر ۲۰۱۵

## جنگ قندوز نیات واقعی امریکا را کاملاً بر ملا کرد

واقعیت این است که وقتی امریکا با اعلام جنگ علیه تروریسم به افغانستان حمله نمود و امارت اسلامی افغانستان را سرنگون کرد، من هم، مانند خیلی از انسان های ساده لوح دیگر، فکر می کردم که امریکا، و بعداً شرکایش، واقعاً به مقصد نابود کردن قطعی تروریستان، که بیشتر از همه نقاط دنیا در افغانستان و تحت حمایت غیرمستقیم امارت اسلامی طالب و حمایت مستقیم پاکستان قرار داشتند، آمده است.

چنین تصویری با شناختی که از امریکا وجود داشت، به راستی بسیار سرسری، عجولانه، ناشیانه و در عین زمان قابل سرزنش است؛ اما به هر حال چون من هیچ گاهی ادعای فهم کامل در هیچ زمینه ای را نکرده ام و همیشه به قصور فکری خویش اذعان داشته ام، این تصور نادرست خویش را هم به حساب قاصر بودن فکر خود گذاشته و خود را از ناراحتی که در چنین موارد به انسان های حساس دست می دهد، کمی تسکین می دهم، و از آنانی که فکر می کنند چنین اشتباهاتی هیچ وقتی نباید صورت بگیرد، می خواهم این وجه انسان های ناکامل را در نظر داشته، اگر بر من خرده می گیرند، این خرده گیری به اندازه ای نباشد که بر انسان های کامل گرفته می شود – اگرچه بعد ها بار ها طی مقالاتی این اشتباه را تصحیح نموده ام.

این یک مطلب، و مطلب دیگر، این که امروز خلاف آنچه خیلی ها در آن زمان فکر می کردند، با طولانی شدن جنگ در افغانستان، که یک طرف شاخه های متعدد تروریستی تا دندان مسلح هستند و طرف دیگر امریکا و در حدود چهل و پنج تا پنجاه کشور همفکر وی، با سه صد و پنجاه هزار نیرو های امنیتی افغان، عقیده غالب در کشور، از متخصص و صاحب نظر و به اصطلاح کارشناس و باسواد گرفته تا مردم عادی و عامی و بیسواد و غیرماهر این است که اعلان جنگ با تروریسم تنها بهانه ای بود از جانب امریکا برای پای گذاشتن در این منطقه غرض ایجاد مزاحمت و رویارویی بیشتر با کشورهای روس و چین و تحت فشار قرار دادن کشور ایران به منظور گسترش سلطه دائمی نفوذ خویش به عنوان یگانه قدرت جهان بر همه دنیا و برای برآورده ساختن اهداف اقتصادی اش در نهایت امر؛ و این تروریستان، از هر قماش که هستند، هم کسانی هستند که مطابق یک برنامه خاص و از پیش تدوین شده برای همین اهداف توسط همین کشور و رفقای پاکستانی و عرب و اروپائی اش به وجود آمده است.

سقوط کندز به دست طالبان به کمک نظامیان پاکستانی در لباس طالب و افراد ده ها گروه تندرو دیگر از سراسر جهان که ظاهراً به نام اسلام به کوشش پاکستانی ها و حمایت عرب ها با طالب یکی شده اند، و ناکامی خود خواسته دولت در دفاع از این شهر و ولایت، این تفکر را در مورد امریکا به درجه اعلائی از یقین بدل نمود.

گسترده‌گی این نظر مبتنی بر یقین به اندازه ای است که از بیست و پنج عنوانی که در صفحه اصلی پایگاه اینترنتی شبکه اطلاع رسانی افغانستان زیر نام "یادداشت و گفتگو"، در راست ترین قسمت این صفحه وجود دارد، تقریباً بیست و دو عنوان حکایت از آن دارد که امریکا و دولت دست نشانده آن اصلاً قصد مبارزه با تروریسم در افغانستان را ندارند و چند نفر، از این میان، به وضوح اعلام داشته اند که هدف امریکا از آمدن به افغانستان اصلاً چیز دیگری، یعنی قصد ناآرام ساختن کشور های آسیای میانه و ایجاد درد سر برای روسیه و چین است.

در زیر، اول چند عنوان را با قسمت هائی از متون مندرج در این پایگاه را که متعلق به این عناوین هستند، نقل می کنیم؛ و بعد از آن، عناوین سائر نظراتی را که نشاندهنده بی اعتمادی مردم نسبت به ادعای امریکا مبنی بر مبارزه علیه تروریسم است، باز می گوئیم:

۱- امریکا با هدف واضح به کشور ما آمده است:

امروز از طریق رسانه ها شنیده شد که بیشتر از پنجاه هزار [از] نیروهای تروریست، توسط انگلیس ها، امریکائی ها و عربها در مرزهای افغانستان با هدف آسیای میانه تعلیم و تربیت داده می شوند. این تروریست ها هم به راحتی وارد افغانستان می شوند... امریکا با هدفی واضح به کشور ما آمده است و تا به آن اهداف نرسد دست از اینجا بر نمی دارد.

۲- سازمان ملل زیر تأثیر پروژه ناامن کردن شمال:

ای کاش سازمان ملل همانطور که گزارش می دهد که جنگ از سال ۲۰۰۱ چند برابر شده است، عاملین این جنگ را هم برای مردم برملا می ساخت. تغییر جغرافیای جنگ از جنوب به شمال جزئی از پروژه بسیار کلان جهانی است. کشورهای بزرگ غرب می خواهند با استفاده از شمال افغانستان راهی برای تهدید کشورهای آسیای میانه داشته باشند. جنگ شمال، فقط جنگ طالبان افغانستان نیست. طالبان به آن حد و به آن اندازه توانمند نیستند که بتوانند چنین مشکل کلانی را برای افغانستان ایجاد کنند. این یک برنامه کاملاً مهندسی شده و طراحی شده دشمن با امکانات خوب است.

۳- فکر نکنید امریکا امنیت می آورد:

فکر نکنید امریکا امنیت می آورد بلکه این ناامنی هائی که در کشور وجود دارد، همه به خاطر وجود امریکائی ها است.

۴- ناامن سازی توسط امریکا انجام می شود:

ناامن سازی افغانستان به خصوص در شمال، یک برنامه است. این ناامن سازی توسط امریکا انجام می شود تا معبری برای رسیدن به آسیای مرکزی بسازند.

۵- حکومت از پس راضی کردن بادران خود برآمد:

واقعه قندوز، یک واقعه نیست، بلکه یک پروژه است. پروژه بزرگی که ریشه در قضیه اوکراین و روسیه دارد. امریکائی ها به خاطر به هم زدن امنیت روسیه پروژه ای را از تخار و بدخشان شروع کردند و آهسته آهسته به بغلان، سرپل و قندوز آمدند. متأسفانه دولت توجهی به این منطقه نکرد و قندوز سقوط کرد. این عدم توجه هم، عمدی بوده است تا امریکا بتواند به راحتی کار خود را انجام دهد و پایگاهی برای مخالفین دولت افغانستان ایجاد کند و از شمال افغانستان به کشورهای منافع مشترک روسیه فشار بیاورد.

۶- داعش، پرچم بعدی در افغانستان خواهد بود:

می خواهند جنگ قندوز را طولانی بسازند و با استفاده از این تجهیزاتی که در دسترس نیروهای مخالف مسلح، قرار گرفته جنگ را به سایر ولایت های شمال افغانستان متمرکز بسازند و زمینه های سقوط شمال را مطابق با برنامه های قبلی فراهم سازند... تمام این برنامه ها از سوی کشورهای غربی و برای جایگذاری داعش در افغانستان است و اظهار کرد: همه چیز از قندوز از بین رفت اما در حکومت آب از آب تکان نمی خورد. این نشان می دهد که ستون پنجم با اراده پاکستان و با همکاری سازمان های استخبارات بین المللی و منطقه ئی می خواهند این جنگ و نسل کشی را ادامه دهند و متأسفانه کسانی که محاسبه غلط و اشتباه کرده اند که این جنگ می تواند باعث تضعیف حکومت مرکزی و سلطه سریع طالبان در جنوب افغانستان شود. اشتباه می کنند.

۷- "اشرف غنی" نماینده انگلیس و امریکا:

رهبان حکومت هر دو نماینده های امریکا، انگلیس و کشورهای بیرون افغانستان هستند. "اشرف غنی" را "جان کری" با تقلب در این جایگاه نشانده است. طالبان و داعش هم جزو برنامه های امریکا و انگلیس هستند. کسانی که "اشرف غنی" را با تقلب رئیس جمهور ساختند، طالب و داعش را نیز تمویل می کنند. حکومت اراده ای برای پایان جنگ ندارد.

از اینجا به بعد، به استثنای دو مورد، تنها به نقل عناوین اکتفاء می شود:

۸- افغانستان میدان بازی قدرت های بزرگ.

۹- امریکا به دنبال حضور دایمی در افغانستان است.

۱۰- امریکا آمده تا ایجاد بحران کند.

۱۱- حکومت قندوز را به امریکا فروخت.

۱۲- بر سر قندوز معامله صورت گرفت.

۱۳- مبارزه امریکا با داعش دروغ محض است

۱۴- رئیس جمهور مجرمان قندوز را تقدیر کرد.

۱۵- به کسانی که باعث سقوط قندوز شدند، مدال داده شد.

۱۶- باداران حکومت اجازه سرکوب طالب را نمی دهند.

۱۷- آیا امریکا توانائی مقابله با طالب را ندارد؟:

زمانی که طالبان به افغانستان آمدند و نود و پنج در صد کشور را گرفتند. امریکائی ها به نام مبارزه با تروریست به افغانستان آمدند و در ظرف یک هفته تمام تروریست ها را تا خاک پاکستان فراری دادند. این وضعیت دو سال دوام داشت. این موضوع نشان می دهد که اگر امریکائی ها هدف از بین بردن تروریزم را داشته باشند برای آنها کاری نداشته و می توانند این کار را در کمترین زمان ممکن انجام دهند.

بعد از دو سال که طالبان دوباره به افغانستان بازگشتند، امریکا به بهانه از بین بردن آنها در افغانستان ماندند. حالا ده [چهارده] سال است که امریکا به همین بهانه در افغانستان حضور دارد و ادعا می کند که نمی تواند آنها را از بین ببرد. آیا نیروها و تجهیزات طالبان قوی تر از نیروها و تجهیزات امریکائی ها است؟ آیا امریکا که ابر قدرت جهان محسوب می شود توانائی مقابله به یک گروه کوچک غیر متمدن را ندارند؟ ...

رئیس جمهور یکی از مهره های امریکا در افغانستان است و وی باید هر کاری را که این کشور دستور می دهد در افغانستان تطبیق کند. حرفهای رئیس جمهور هم از همان ابتداء تا به حال همه دروغ بوده و هست. وی در صدد این است تا همیشه مردم افغانستان را فریب دهد. اگر اینطور نباشد طالبان با بیست هزار نفر نمی توانند سیصد هزار نیروهای

امنیتی ما را شکست دهند. حکومت این همکاری ها را با طالبان انجام می دهد تا آنها مجهز شوند و با شکست نیروهای ما، غنیمت های جنگی جمع آوری کنند. اینها همه برنامه های رئیس جمهور و سرپرست وزیر دفاع است.

۱۸- امریکا از دوام جنگ در افغانستان حمایت می کند.

۱۹- امریکا ضرورتی برای صلح در افغانستان نمی بیند.

۲۰- امریکا در افغانستان صلح نمی خواهد.

۲۱- منافع ملی ما زیر پای رقابت های روسیه و امریکا.

۲۲- حکومت خود طالب است:

وقتی مجموع حوادث در طول چهارده سال اخیر ارزیابی می شود همه نگرانی ها و شک هائی که نسبت به نیروهای خارجی، مسؤولان حکومت و مسؤولان محلی وجود داشته است به یقین تبدیل می شود. یعنی محتوای همه حوادث به گونه ای مهندسی شده و برنامه ریزی شده دیده می شود. هیچ حادثه ای نمی بینیم که تصادفی باشد. برای همه حوادث در افغانستان همکاری هائی وجود داشته است.

۲۰۱۵/۱۱/۰۲